

# چشم انداز اشتغال

## یا رابطه رشته‌های تحصیلی با فرصت‌های شغلی

دکتر نادر سلیمانی، استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار  
مریم رزم‌آور، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار  
مهدی عاشوری، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - مدیر گروه تحقیق و پژوهش  
آموزش و پرورش استان سمنان

### چکیده

هدف کلی این پژوهش سنجش ادراک دانش‌آموختگان حوزه‌های تحصیلات نظری و مهارتی از پدیده اشتغال و کسب درآمد بوده است. پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل در رشته‌های مهارتی در مقطع دیپلم فنی و افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته‌های تجربی، ریاضی و علوم انسانی در شهر گرمسار در سال ۱۴۰۰ بود. حجم نمونه را ۳۰ تشکیل می‌دادند که ۱۵ نفر آنان را افراد گروه متوسطه تجربی، ریاضی و علوم انسانی و ۱۵ نفر دیگر را نیز فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهارتی تشکیل داده بودند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری متوالی یا متواتر (افزایش حجم نمونه تا زمان رسیدن به کفایت) بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق و ژرف‌نگر استفاده شد. سؤال‌های اولیه که در ابتدای پژوهش طراحی شدند عبارت بودند از:

۱. موضوع اشتغال در گرایش شما به کسب تحصیلات نظری و مهارتی چه اندازه مهم بوده است؟
  ۲. موضوع کسب درآمد در گرایش شما به کسب تحصیلات نظری و مهارتی چه اندازه مهم بوده است؟
- مدت مصاحبه به طور متوسط ۳۰ دقیقه، ابزار پژوهش مصاحبه، و نرم‌افزار مورد استفاده «ان ویو» بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری باز بود. نتایج پژوهش نشان داد که افراد دارای مدرک تحصیلی رشته ریاضی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته‌های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین آموزش‌دیدگان حرفه‌ای رشته رایانه از نظر کسب درآمد بیشتر از

سایر رشته‌های مهارتی رضایت دارند. همچنین آموزش‌دیدگان حرفه‌ای رشته بافندگی از نظر کسب درآمد از سایر رشته‌های مهارتی رضایت بیشتری دارند.

کلیدواژه‌ها: تحصیلات نظری و مهارتی، اشتغال، کسب درآمد

### مقدمه

در حالی که در اغلب کشورهای دنیا مهارت‌آموزی و دوره‌های کارآموزی بسیار مورد توجه قرار دارد و بخشی از نیروی مورد نیاز بازار کار از این طریق تربیت و تأمین می‌شود، در کشور ما هنوز آن‌طور که باید و شاید دوره‌های آموزش عملی و کارآموزی جدی گرفته نمی‌شوند. این در حالی است که کارشناسان معتقدند توجه به دوره‌های کارآموزی و مهارت‌آموزی می‌تواند ضمن ایجاد زمینه برای اشتغال‌زایی، کمک شایانی به حل مشکل بیکاری کند، به افزایش میزان تولید بینجامد و حرکتی رو به جلو در این زمینه باشد. البته مشروط به آنکه نوع مهارت‌ها و دوره‌های آموزشی براساس برنامه‌ریزی کامل و جامع و با نگاه دقیق به نیاز بازار کار و همچنین براساس آمایش سرزمینی تعیین شده باشد.

در عین حال صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش‌های عملی و همچنین مهارت‌های حین انجام کار هم می‌توانند به ارتقای بهره‌وری بنگاه‌ها منجر شوند. از همین‌رو کارشناسان نقش آموزش‌های حین خدمت و حین انجام کار و یادگیری و تبدیل آن‌ها به دانش انباشته شده در یک بنگاه را بزرگ‌ترین سرمایه آن بنگاه ارزیابی می‌کنند [ضرغامی، ۱۳۹۰]. در کوتاه‌مدت، آموزش حرفه‌ای و به ویژه کارآموزی دارای چندین ویژگی ایده‌آل است. همان‌طور که کارفرمایان به امر توسعه درجات و برنامه‌دستی کمک می‌کنند، مهارت‌های حرفه‌ای به دست آمده نیز در بازار کار نقش

نمونه‌گیری متوالی یا متواتر (افزایش حجم نمونه تا زمان رسیدن به کفایت) انجام گرفت. تعداد نمونه نهایی در این پژوهش ۳۰ نفر تعیین شد که ۱۵ نفر آنان از میان افراد گروه متوسطه تجربی، ریاضی و علوم انسانی و ۱۵ نفر دیگر نیز از میان دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش مصاحبه بوده است. یکی از مزایای این روش به‌وجود آمدن فرصتی عالی برای جمع‌آوری داده‌های دقیق دربارهٔ باورهای مردم است و اینکه انگیزه‌های آن‌ها چیست. در این روش، محقق با پرسیدن سؤال‌های مناسب می‌تواند داده‌های معنی‌دار جمع‌آوری کند. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، محققان باید سؤال‌های پیگیری مطرح کنند. این مصاحبه‌ها را می‌توان به صورت حضوری یا تلفنی انجام داد. معمولاً هم بین نیم ساعت تا دو ساعت یا حتی بیشتر نیز ممکن است طول بکشد. هنگامی که مصاحبه عمیق به صورت چهره‌به‌چهره انجام می‌شود، فرصت بهتری برای خواندن زبان بدن پاسخ‌دهندگان و مطابقت با پاسخ‌ها در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد.

### ابزار سنجش

برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق و ژرف‌نگر استفاده شد. مدت مصاحبه به طور متوسط ۳۰ دقیقه بود. تمامی افراد مصاحبه‌شونده از بین دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی در مقطع دیپلم فنی و افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته‌های تجربی، ریاضی و علوم انسانی در شهر گرمسار انتخاب شده بودند. افراد مصاحبه‌شونده از بین افرادی که به مصاحبه علاقه‌مند بودند، انتخاب شدند. تمام روند مصاحبه به صورت اینترنتی و در فضای کاملاً مجازی انجام گرفت. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه بعدی انجام شد.

### یافته‌ها

فرایند تحلیل داده‌ها در مرحلهٔ کدگذاری باز، در نهایت به استخراج شش مفهوم و دو مقولهٔ اصلی منجر شد. سؤال کلی از دانش‌آموختگان این بود که: «چه برداشتی از اشتغال و کسب درآمد دارید؟»

**اشتغال:** دانش‌آموختگان در خصوص برداشت خود از اشتغال گفتند: با توجه به وضعیت آموزش در کشور، کسب موقعیت اجتماعی، گریز از بیکاری، و اشتغال در جهت کسب مهارت‌های لازم برای شکوفایی، مقوله‌های اصلی اشتغال هستند. از نگاه افراد مطالعه‌شده، توجه به موضوع اشتغال دانش‌آموختگان بیش از پیش احساس می‌شود. همچنین برخی از آن‌ها به این نکته اشاره می‌کردند که میزان درک دانش‌آموختگان از رشتهٔ تحصیلی خود، اینکه تا چه اندازه رشتهٔ تحصیلی با نیازهای بازار کار و صنعت هم‌خوانی دارد و متناسب با آن‌ها طراحی شده است، و همچنین سنجش میزان توانمندی محتوای درس‌های آموزش داده‌شده در آموزشگاه‌ها یا مدرسه‌ها برای آماده‌سازی افراد برای ورود به بازار کار و اشتغال آنان، از اهمیت بالایی برخوردار است.

**درآمد:** دانش‌آموختگان در خصوص برداشت خود از درآمد گفتند: با توجه به وضعیت شغلی و به تناسب آن درآمد حاصل از آن در کشور، به‌دست آوردن ثروت، سرمایه‌گذاری برای آینده، رفاه و زندگی ایده‌آل مقوله‌های اصلی اشتغال هستند. از نگاه آن‌ها، با توجه به وضعیت شغلی و بازار کار، افرادی که مهارت لازم برای انجام کار و حرفهٔ خود را ندارند، از کسانی که دارای مهارت حرفه‌ای در سطح متوسط هستند، درآمد شغلی کمتری دارند. از دید مصاحبه‌شوندگان، درآمد کارگران دارای تحصیلات

اساسی دارد. این ویژگی در جوانان باعث می‌شود به دنیای کار تمایل پیدا کنند و همچنین باعث کاهش معضل بیکاری در میان جوانان می‌شود [مولر و شوری، ۲۰۱۸].

امروزه بحران بیکاری در جامعه به قدری جدی است که باعث دغدغهٔ فکری اکثر خانواده‌ها و مسئولان کشور شده است. در این میان خیل انبوه دانش‌آموختگان بیکار دانشگاهی بر شدت این بحران افزوده است. فقدان برنامه‌ریزی مناسب برای این قشر آسیب‌پذیر، خسارت جبران‌ناپذیری برای کشور به دنبال خواهد داشت. بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی یکی از بزرگ‌ترین معضلات اقتصادی در کشور ماست. کم‌توجهی نظام آموزش عالی به نیازهای جامعه یکی از دلایل بروز بحران و بیکاری فارغ‌التحصیلان است، در صورتی که نیاز اساسی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای رسیدن به شغل و پذیرش مسئولیت‌های تخصصی جامعه، مهارت است. یعنی فرد علاوه بر داشتن توانایی‌های ذهنی و فیزیکی و تحصیلات مناسب، و همچنین ویژگی‌های رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش، انگیزش و ارزش‌های فردی، طول دوران تحصیل باید مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی را نیز کسب کند [کوربر و اوش، ۲۰۱۹].

در طول زندگی، شغل‌های ویژه با توجه به مهارت‌های آموخته‌شده در آموزش‌های حرفه‌ای ممکن است با سرعت بیشتری نسبت به مهارت‌های عمومی آموخته‌شده در برنامه‌های درسی منسوخ شوند. بر این اساس، ممکن است مهم‌ترین مزیت آموزشگاه‌های حرفه‌وفن هموارسازی راه ورود به بازار کار باشد و بعداً لازم باشد معایب احتمالی حرفه سنجیده شود [قاسمیان، ۱۳۹۴].

افزایش احتمال بیدار کردن شغل همیشه یکی از علل اصلی ورود جوانان به دانشگاه بوده است؛ بیدار کردن شغلی مناسب و مورد علاقه که به‌وسیلهٔ آن بتوانند ضمن کسب درآمد، استعداد‌های خود را در زمینه‌های گوناگون شکوفا کنند. اما آنچه در کشور در حال رخ دادن است فرایندی معکوس در این زمینه است. آمارها نشان می‌دهد که افزایش درجهٔ مدرک نه تنها کمکی به شغل‌یابی نمی‌کند، بلکه به دلایل متفاوت سبب از دست دادن فرصت‌های شغلی برای افراد دارای مدرک بالا شده است.

در جامعهٔ امروزی و به‌خصوص در کشور ما، مهم‌ترین هدف از ورود به دانشگاه و تحصیل در آن را باید اشتغال به شغلی مناسب در آینده و کسب درآمد دانست، چراکه به حسب ظاهر فرایند تحصیل باید به نتیجه‌ای مناسب، همچون اشتغال و به تبع آن تولید درآمد و ارزش افزودهٔ اقتصادی در سطح کلان اقتصادی، و درآمد شخصی مناسب در سطح خرد منتهی شود؛ آن هم شغلی که از وجهه و جایگاه اجتماعی خوب و درآمد بالا برخوردار باشد. هزینه‌های سالانهٔ فراوانی که برای امر آموزش در ایران صرف می‌شود و همچنین افزایش رغبت افراد به کسب تحصیلات بیشتر، افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در دهه‌های اخیر و اثرات نامطلوبی که تحصیلات فرانیاز به همراه دارد، لزوم بررسی این موضوع را نمایان می‌سازد. لازم به ذکر است که در ایران تاکنون مطالعه‌ای به بررسی بازده تحصیلات، با روش مدنظر این پژوهش، نپرداخته است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و به صورت تحلیل مضمون بود. جامعهٔ آماری پژوهش شامل دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی در مقطع دیپلم فنی و افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته‌های تجربی، ریاضی و علوم انسانی در شهر گرمسار در سال ۱۴۰۰ بوده است. نمونه‌گیری نیز به صورت

عمومی در سطح متوسط است و درآمد کارگران حرفه‌ای آموزش دیده بیشتر از درآمد آن‌هاست. در نتیجه، شکاف در درآمد در طول زندگی، به نفع کارگران دارای تحصیلات حرفه‌ای، افزایش می‌یابد.

## بحث و نتیجه‌گیری

فراهم آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار آتی، یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که آموزش عالی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای تربیت نیروهای انسانی ماهر و کارآموده به منظور ورود به بازار کار، از مهم‌ترین اقدامات و پیش‌بینی‌هایی است که دولت‌مردان و برنامه‌ریزان می‌باید جهت پیش‌برد برنامه‌های توسعه خود اعمال کنند. در این راستا طبق آنچه که بیان شد، بازنگری برنامه‌های درسی اهمیت بسیاری دارد. موفق نشدن دانش‌آموختگان در تصدی شغل مناسب، از جمله موضوع‌هایی است که در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه جدی مسئولان و صاحب‌نظران بوده است.

در تحلیل علل این معضل اجتماعی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارند: برخی اقتصاد مونتاژ و بازار کار ناسالم را مقصر می‌دانند و برخی دیگر سرعت تغییرات و تحولات دانش و فناوری در جهان امروز را. برخی هم صلاحیت و تخصص نداشتن دانش‌آموختگان را عامل اصلی معرفی می‌کنند. در حال حاضر نظام آموزش عالی یکی از ارکان آموزش و پرورش نیروهای متخصص در کشورمان است که با توجه به تحقیقات و بررسی‌های انجام شده در زمینه ارزیابی نظام آموزشی می‌توان اعلام کرد که به دلایل متعدد، دستیابی به هدف تربیت نیروهای متخصص و کارآمد و ایجاد اشتغال برای این نیروها در سطح جامعه محقق نشده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که افراد دارای مدرک تحصیلی رشته ریاضی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته‌های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین دارندگان مدرک رشته رایانه که به‌طور حرفه‌ای آموزش دیده‌اند، از نظر کسب درآمد از سایر رشته‌های مهارتی رضایت بیشتری دارند. همچنین افراد دارای مدرک تحصیلی رشته تجربی نسبت به رشته‌های علوم انسانی، دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال هستند. همچنین آموزش دیدگان حرفه‌ای رشته بافندگی از نظر کسب درآمد، از سایر رشته‌های مهارتی دیدگاه بهتری دارند.

در مجموع می‌توان گفت: نگرش تحصیلی بهترین پیش‌بینی‌کننده انتظارات شغلی دانش‌آموختگان است. به هر میزانی که دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی و متوسطه، نسبت به رشته تحصیلی خود دید مثبت‌تری داشته باشند، به همان میزان امکان ورودشان به بازار کار و اشتغال بیشتر است. بنابراین به نظر می‌رسد، زمانی که دانش‌آموختگان نسبت به توانایی خود که حاصل از رشته تحصیلی، آموزش‌ها و مهارت‌های کسب‌شده در دانشگاه است، نگرش مثبتی دارند، با اعتمادبه‌نفس بالایی وارد بازار کار می‌شوند و متناسب با همین نگرش، مهارت‌های شغلی متناسب و مرتبط نیز در وجود آن‌ها پرورش می‌یابد. شانس اشتغال آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. درس‌های عملی، با توجه به شباهتی که با بازار کار و صنعت دارند، در زمینه کسب مهارت‌های شغلی عامل مهمی هستند. اما نوع ادراک دانش‌آموختگان از درس‌های نظری نیز مانند درس‌های عملی در نگرش آن‌ها به تحصیل، نقش مؤثری دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که به منظور پرورش و تقویت نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به رشته تحصیلی، مسئولان مربوطه و افرادی که در زمینه آموزش فعالیت

دارند، باید به درس‌های نظری و نوع محتوایی که در آن‌ها به دانش‌آموختگان عرضه می‌شود حساسیت زیادی نشان دهند.

درس‌های نظری و محتوای آن‌ها که همواره سعی در معرفی نظریه‌های جدید در رشته تحصیلی و به‌طور کلی کاربردهای یک رشته تحصیلی برای جامعه و بازار کار دارند، باعث می‌شوند که نوعی انتظار شغلی در دانش‌آموختگان شکل بگیرد. به این معنی که آن‌ها درک خواهند کرد که به محض دانش‌آموخته‌شدن توانایی احراز چه نوع شغل‌هایی را خواهند داشت. مسئولان آموزش می‌توانند با توجه کردن به نقش ادراک دانش‌آموختگان از درس‌های نظری رشته تحصیلی آن‌ها و ارائه راهکارهایی برای بالابردن درک آن‌ها، در راستای تناسب بین رشته تحصیلی و مهارت‌های شغلی که این افراد در طول تحصیل کسب خواهند کرد، گام مهمی بردارند.

## پیشنهاد‌های پژوهشی

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه به سایر رشته‌های مهارتی بپردازند تا بتوان نتایج را در سطح وسیع‌تری از رشته‌ها تعمیم داد. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود جنسیت را در رشته‌های مهارتی لحاظ کنند و رشته‌های مهارتی مختص هر دو جنس را به‌طور مساوی در پژوهش خود مد نظر قرار دهند.

## پیشنهاد‌های کاربردی

✓ حل مشکلات کنونی جامعه، مثل حل مشکل کم‌آبی، یا آموزش مهارت تولید صفحه‌های خورشیدی و توربین بادی، در ارائه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش مد نظر قرار گیرند (رشته‌هایی متناسب با موقعیت جغرافیایی و نیاز منطقه‌ای با توجه به شرایطی که در هر منطقه می‌تواند متفاوت باشد).

✓ رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش متناسب با شرایط بومی همان منطقه، براساس جنسیت به صورت مجزا برنامه‌ریزی شوند.

✓ امضای تفاهم‌نامه با مراکز تولیدی و صنعتی و مراکز آموزش مهارتی باعث می‌شود فراگیرندگان رشته‌های مهارتی در زمان کارآموزی به صورت عملی و کاربردی، در این مراکز حضور داشته باشند. این موضوع باعث ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی فراگیرندگان می‌شود و آن‌ها می‌توانند در صورت تمایل در همان مراکز مشغول کار شوند.

✓ رشته‌های تحصیلی منطبق و هماهنگ با بازار کار برنامه‌ریزی شوند. همچنین آموزش‌ها و مهارت‌هایی که در هر رشته تحصیلی ارائه می‌شوند به‌روز و منطبق با مهارت‌های مورد نیاز جامعه و بازار کار باشند.

✓ آموزش به صورت علمی و کاربردی با هدف ایجاد اشتغال طراحی شود (۷۰ درصد مطالب به صورت عملی و کاربردی آموزش داده شود و ۳۰ درصد مطالب به صورت نظری) تا از مطالب نظری کاسته شود و فراگیری به صورت عملی و در محیط‌های واقعی یادگیری اتفاق بیفتد.

✓ رشته‌های مهارتی بخش کشاورزی با هدف امنیت غذایی و تولید محصولات سالم برنامه‌ریزی شوند تا در نهایت به کاهش هزینه‌های درمان در کشور بینجامند.

✓ با توجه به اینکه کشورمان از نظر اقلیم سرزمینی نیمه‌خشک است و با بحران آب روبه‌رو هستیم، بهتر است آموزش‌های مهارتی در این رشته به سمت بهره‌وری آب در تولید محصولات کشاورزی هدایت شود.

✓ در زمینه حفظ محیط زیست، بازیافت زباله‌ها، احیای جنگل‌ها و جلوگیری از فرسایش خاک، آموزش مهارتی برنامه‌ریزی شود.